

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: 78864 Article Cod: 2019Y3N10A2 ISSN-P: 2538-3701

مسئولیت نیابتی ، تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس

(تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۸/۰۶/۱۲)

امین زین الدینی

چکیده

در حقوق مسئولیت مدنی، جبران هر چه بیشتر خسارات زیان دیده همواره مورد توجه بوده و در راستای رسیدن به این هدف تدابیری نیز اندیشیده شده است که یکی از آن ها مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر یا به تعبیر حقوق انگلیس مسئولیت نیابتی می باشد. مسئولیت مدنی مذکور اگر چه با توجه به اصل شخصی بودن مسئولیت باید به صورت محدود و استثنایی تفسیر شود اما امروزه با توجه به گستردگی مصادیق آن، مسئولیت مذکور دارای اقسام قابل تفکیک از هم می باشد که با توجه به احکام و قواعد خاص حاکم بر هر یک از آن ها به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می گیرد و مسئولیت مدنی مراقب ناشی از اعمال اشخاص نیازمند مراقبت یکی از اقسام آن می باشد. هدف و فلسفه ی مسئول دانستن مراقب در جبران خسارات ناشی از افعال زیان بار اشخاص نیازمند مراقبت، حمایت از فاعل فعل زیان بار از یک سو و حمایت از زیان دیده از سوی دیگر می باشد در واقع از آن جایی که در اکثر موارد شخص تحت مراقبت توان جبران خسارت را ندارد و جبران خسارت از وی به لحاظ عدم تمکن مالی مشکل می باشد، مراقب به همراه شخص تحت مراقبتش در برابر زیان دیده مسئولیت تضامنی دارند و هر دو در برابر زیان دیده مسئول جبران خسارات می باشند که در این بین یکی خطاکار واقعی است و دیگری به حکم قانون و یا بر اساس قرارداد مسئول اعمال وی می باشد.

واژگان کلیدی: کامن لا ، حقوق ایران ، مسئولیت مبتنی بر تقصیر، جبران خسارت نیابتی

، مسئولیت ناشی از فعل غیر



بخش اول: کلیات

مسئولیت در لغت به معنی مورد پرسش و سؤال واقع شدن است و غالباً به مفهوم تفکیک وظیفه و آنچه که انسان عهده‌دار و مسئول آن باشد^۱ و مسئولیت در اصطلاح تعهد قانونی شخص است به دفع ضرر دیگری که وی به او وارد آورده است؛ خواه این ضرر ناشی از تقصیر خود وی باشد یا از فعالیت او ایجاد شده باشد^۲. بنابراین در هر جایی که کسی مکلف به جبران خسارات دیگری است، در برابر او مسئولیت داشته و باید پاسخگو باشد.^۳ مسئولیت بر دو نوع است: مسئولیت قانونی یا جزایی و مسئولیت مدنی. الزام شخص به پاسخگویی در برابر تعرض به دیگران، خواه به جهت حمایت از حقوق فردی صورت گیرد و خواه به منظور دفاع از جامعه، تحت عنوان «مسئولیت کیفری» یا «مسئولیت جزایی» مطرح می‌شود. مسئولیت مدنی عبارتست از تعهد و الزامی که شخص به جبران زیان وارد شده به دیگری دارد اعم از اینکه زیان مذکور در اثر عمل شخص مسئول و یا عمل اشخاص وابسته به او و یا ناشی از اشیاء و اموال تحت مالکیت یا تصرف او باشد.^۴

بند اول: مفهوم مسئولیت نیابتی

نیابت در لغت به معنای جانشین شدن، به جای کسی نشستن، بجای کسی امری را انجام دادن، جانشینی، قائم مقامی آمده است.^۵ طبق قوانین اصولاً مسئولیت متوجه شخصی است که مرتکب فعل یا ترک فعل زیانباری شده است و در مسئولیت مدنی، این فاعل فعل زیانبار است

۱ عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، جاویدان، چاپ ۱۱، ۱۳۵۳، ص ۹۵

۲ جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ابن سینا، چاپ اول، ۱۳۴۶، ص ۶۴۲

۳ جعفری لنگرودی، محمد جعفر، همان منبع پیشین (ترمینولوژی حقوق)، ص ۶۴۳

۴ حسینی نژاد، حسینقلی، مسئولیت مدنی، تهران، جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۰، ص ۱۳

۵ دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، دوره ی ۱۶ جلدی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷، ص ۴۳۱



که اصولاً باید مسئول باشد اما هر از گاهی شخصی مسئولیت مدنی ناشی از فعل زیانبار دیگری را بر عهده دارد که این نوع مسئولیت و جبران خسارت مبتنی بر نیابت است که در نظام کامن لا (Common law) تحت عنوان مسئولیت نیابتی مطرح است، در این نوع مسئولیت گویا شخصی به نیابت از دیگری برای او ایجاد مسئولیت میکند، حقوق کشور ما با مفهوم مسئولیت نیابتی جبران خسارت آشنا نیست حقوق نوشته نهاد مسئولیت ناشی از فعل دیگری متکفل بیان قواعد جبران خسارت از سوی شخص ثالث بجای دیگری است و نویسندگان ما چندان توجهی به تفاوت مبنایی جبران خسارت نیابتی به مفهوم مذکور در نظام کامن لا با کشور ما نداشته اند.

بند دوم: مفهوم تقصیر

تقصیر در لغت به معنی سستی کردن، کوتاهی کردن، قصور، کوتاهی آمده است.^۱ از نظر حقوقی به انجام ندادن عملی که شخص ملزم به انجام آن است یا ارتکاب عملی که شخص از انجام دادن آن منع شده، تقصیر می گویند. در قانون اصلاحات حقوقی ۱۹۴۵ انگلستان^۲، تقصیر در معنای بی احتیاطی به کار رفت. تا امروز هم در این کشور اصولاً از واژه ی تقصیر، مفهوم بی احتیاطی را درمی یابند و عموماً آن را در حقوق مسئولیت مدنی به کار می گیرند. یعنی در انگلستان هرگاه سخن از مسئولیت های مبتنی بر تقصیر^۳ به میان می آید، مقصود همان مسئولیت های ناشی از بی احتیاطی است و مسئولیت های ناشی از عمد را در بر نمی گیرد. حال آنکه در حقوق فرانسه تقصیر صرفاً به معنای بی احتیاطی نبوده بلکه هر رفتار ضد اجتماعی و

۱ جعفری لنگرودی، محمد جعفر، همان منبع پیشین (ترمینولوژی حقوق)، ص ۴۵۴

2 Law Reform (contributory Negligence) Act 1945

3 Fault-based Liability





خطایی را شامل می‌شود^۱ به طور خلاصه در فرانسه مفهوم تقصیر هم شامل خطاهای عمدی است و هم خطاهای غیر عمدی درحالی‌که در انگلستان، آنجا که سخن از تقصیر است صرفاً خطاهای غیر عمد مدنظر قرار می‌گیرند. در حقوق مسئولیت مدنی ایران نیز هم چون فرانسه تقصیر مفهومی عام داشته و تفاوت‌هایی بنیادین بین بی‌احتیاطی یا عمد شخصی که مرتکب فعل زیان بار شده است وجود ندارد. بنابراین آنچه اهمیت دارد، وجود عنصر (ناصواب بودن) است، که هم شامل موارد عمدی است و هم غیر عمد^۲. تفاوت مذکور در تعریف تقصیر بین نظام‌های مبتنی بر کامن‌لا و نظام‌های مبتنی بر سیویل‌لا (از جمله ایران) باعث شده قواعد کلی حاکم بر حقوق مسئولیت مدنی آنها متفاوت باشند.

بخش دوم: مبانی مسئولیت مدنی در حقوق ایران و انگلیس

به طور کلی در انگلستان می‌توان انواع مسئولیتهای مدنی را به سه دسته تقسیم نمود^۳: «مسئولیت ناشی از عمد»، «مسئولیت ناشی از بی‌احتیاطی» و «مسئولیت بدون تقصیر». با این وجود بعضی حوزه‌های مسئولیت مدنی را نمی‌توان زیرمجموعه‌ی واقعی هیچ‌یک از سه دسته فوق‌الذکر قرار داد. مثلاً «مسئولیت مدنی ناشی از کالاهای» را می‌توان تلفیقی از مسئولیت‌های بدون تقصیر و مسئولیت‌های ناشی از بی‌احتیاطی دانست^۴. یا برای مثال در حقوق انگلستان خسارات ناشی از سوانح و تصادفات رانندگی را زیرمجموعه‌ی مسئولیت‌های ناشی از بی‌احتیاطی در نظر می‌گیرند حال آنکه سازگاری قواعد حاکم بر آن با مسئولیت‌های بدون تقصیر بیشتر است. البته شاید در ظاهر امر بتوان دودسته‌ی مسئولیت‌های ناشی از بی‌احتیاطی

1 Peter De cruze, Comparative Law in a changing World, p 334

۲ کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد، انتشارات دانشگاه تهران جلد اول، چاپ هشتم، تهران، ص ۳۴۷

3 JohnCooke, Law of Tort, p 46

4 Jane Stapleton, "Duty of Care Factors", p11; Graham Stephenson, Sourcebook on Tortsp 393; Lisa Schaffer, Torts for Paralegals, p; Carper, Forensic Engineering, p 130

و مسئولیت های ناشی از عمد (در حقوق انگلستان) را در یک گروه مسئولیت های مبتنی بر تقصیر قرارداد، اما برای سهولت و دقت بیشتر در بررسی و تحلیل موضوعات، چنین تقسیم بندی در حقوق انگلستان و آمریکای کنونی مدنظر قرار گرفته است. البته در حقوق آمریکا، برخلاف حقوق انگلستان، این تقسیمات با صراحت بیشتری مطرح می شوند.^۱ با این وجود نظر مخالفی هم وجود دارد و برخی از حقوقدانان برجسته ی کامن لا، از جمله، اولیور وندل هولمز^۲ مسئولیت ها را در دودسته ی مسئولیت های مبتنی بر تقصیر (اعم از عمد و بی احتیاطی) و مسئولیت های بدون تقصیر بررسی نموده اند.^۳ ویژگی مشترک هر سه دسته ی کلی مسئولیت آن است که همگی در جهت حمایت از منافع زیان دیده گام بر می دارند. با این وجود تفاوت هایی کلی بین این دسته ها وجود دارد: برای مثال مسئولیت های ناشی از بی احتیاطی، غیرمنسجم ترین حوزه ی حقوق مسئولیت مدنی آمریکا و انگلستان محسوب می شود، در حالی که مسئولیت ناشی از عمد، منسجم ترین حوزه بوده و مسئولیت بدون تقصیر نیز، حد وسط این دو می باشد (نه هم چون بی احتیاطی غیر منسجم است و نه هم چون عمد، سازمان یافته و منسجم). یا مباحث مربوط به عملکرد متعارف و معقول اشخاص (یا شخص معقول و متعارف، به عنوان الگویی برای رعایت احتیاط و مراقبت لازم و اجتناب از ورود زیان به غیر) بیشتر در مسئولیت های ناشی از بی احتیاطی مطرح می گردد نه مسئولیت ناشی از عمد یا بدون تقصیر. با این وصف در مسئولیت های بدون تقصیر و ناشی از عمد نیز می توان رد پایی از معیار معقول و متعارف بودن را مشاهده نمود. همچنین در مسئولیت های بدون تقصیر بحث « وجود تکلیف در رعایت احتیاط و مراقبت » مطرح نمی شود، در حالی که در بی



1 Alan Calnan, Opcit, p 52; Vivienne Harpwood, Modern Tort Law, p 11

2 Oliver Wendell Holmes

3 Alan Calnan, Opcit, p 52; Vivienne Harpwood, Modern Tort Law, p 53



احتیاطی « تکلیف » امری است غیرقابل اغماض و در مسئولیت های عمدی هم به صورت ضمنی و تلویحی وجود دارد.^۱ از دیگر تفاوت های موجود آن است که مسئولیت ناشی از بی احتیاطی نه هم چون مسئولیت های عمدی ذاتاً خطاست و نه همانند مسئولیت های بدون تقصیر، به دلیل مخاطره آمیز بودن، خطریا ریسک به وجود آمده، بلکه عملی است مشروع که صرفاً به دلیل بی دقتی و بی توجهی مرتکب، مسئولیت به بار آورده است.^۲ بنابراین در مسئولیت های ناشی از عمد و مسئولیت های بدون تقصیر، تکلیف یا سیاه است و یا سپید؛ در حالی که در بی احتیاطی تکلیف به رنگ خاکستری است و به قول کاردوزو، نیازمند بررسی فاکتور های چندگانه ای چون منطق، عرف، سنن و جامعه شناسی^۳.

بند اول: حقوق ایران

در حقوق ایران مسئولیت های مدنی یا مبتنی بر تقصیرند و یا بدون تقصیر؛ تقسیم بندی که بی شبهات با تقسیمات کلی حاکم بر حقوق انگلستان نیست. ماده ی ۱ قانون مسئولیت مدنی و قاعده ی تسبیب بیان کننده ی ماهیت مسئولیت های مبتنی بر تقصیرند و اطلاق نماد مسئولیت های بدون تقصیر محسوب می شود. تصویب قانون مسئولیت مدنی در سال ۱۳۲۹، تحت تأثیر حقوق اروپایی^۴ به معنای تثبیت جایگاه مسئولیت مبتنی بر تقصیر در ایران بوده است. رابطه ی ماده ی ۱ قانون مسئولیت مدنی با ماده ی ۳۲۸ قانون مدنی را باید رابطه ی عموم و خصوص

۱ در انگلستان برای آنکه بی احتیاطی شخص، برای او مسئولیتی به بار بیاورد لازم است اولاً: شخص وارد کننده زیان نسبت به زیان دیده تکلیفی برای رعایت احتیاط و مراقبت داشته باشد. ثانیاً: با عملکردی غیرمتعارف، این تکلیف را نقض کند. ثالثاً: از نقض تکلیف مذکور، خسارتی به زیان دیده وارد آید.

2 G Edward White, Tort Law in America, p120; Alan Calnan, Opcit:54 -78

3 G Edward White, Ibid.

۴ بهرامی احمدی، حمید، مسئولیت مدنی، میزان، چ ۱، ۱۳۸۸، ص ۱۸۷

مطلق دانست نه عموم و خصوص من وجه.^۱ زیرا در ماده ی ۳۲۸ برای جبران زیان سه شرط لازم است: وجود ضرر، عمل زیان بار، رابطه ی سببیت. بنابراین در صورت وجود این سه شرط بدون نیاز به اثبات تقصیر، خسارت باید جبران شود. اما ماده ۱ ق.م.م، امر دیگری را بر سه مورد فوق افزوده است. در این قانون اثبات تقصیر (عمدی یا غیر عمدی) به عهده ی شاکی یا زیان دیده قرار داده شده است.^۲ برخی اساتید معتقدند ماده ی ۱ ق.م.م ناسخ قواعد اتلاف است، زیرا رابطه ی سببیت کافی نبوده و شرط ایجاد مسئولیت تقصیر است. بنابراین ماده ی مذکور با قواعد اتلاف، علی الخصوص، اتلاف غیر عمد در تعارض بوده و قانون لاحق قوانین سابق را نسخ می نماید^۳ اما به نظر می رسد باید دید گاهی را پذیرفت که بیان می دارد ماده ۱ به معنای ممنوع شناختن مسئولیتهای بدون تقصیر نیست.^۴ زیرا اولاً: از لحاظ منطقی ماده ۱ تعارضی با قاعده ی اتلاف نداشته و تنها مفهوم مخالف آن دلالت بر نپذیرفتن مسئولیت مدنی دارد. ثانیاً: قواعد اتلاف از جهت موضوع در برابر قانون مسئولیت مدنی خاص بوده و در نتیجه بین خاص قدیم و عام جدید، عام ناسخ خاص نمی شود. ثالثاً: اصل ۴ قانون اساسی تفسیری را می پذیرد که سازگارتر با حقوق اسلام باشد و اتلاف را نسخ ننماید. رابعاً: در صورت پذیرش این امر که قانون تلف مستقیم مال دیگری را تقصیر دانسته، تعارضی به وجود نخواهند آمد و



۱ برخی رابطه ی این دو را عموم و خصوص من وجه دانسته اند و در اثبات این امر بیان داشته اند: از یک سو ماده ی ۱ ق.م.م عام است چون هم خسارات معنوی را مطرح نموده و هم خسارات مادی را، از سوی دیگر ماده ی ۳۲۸ عام است زیرا شخص را چه تقصیر کرده باشد چه نه، ضامن می داند (سید حسین صفایی، حبیب الله رحیمی، مسئولیت مدنی، ص ۸۴). اما در پاسخ بدین استدلال باید بیان داشت که مطرح نشدن خسارت معنوی در ماده ۳۲۸ به معنای پذیرفته نبودن آن نبوده است و این سکوت به راحتی با لاضرر قابل جبران است. بنابراین سکوت ماده ی ۳۲۸ دلیلی بر خاص بودن آن نسبت به ماده ی ۱ ق.م.م نمی باشد.

۲ امامی، سید حسن، حقوق مدنی، اسلامیه، ج ۱، چ بیست و ششم، ۱۳۸۵، ص ۵۸۷

۳ امیری قائم مقام، عبدالمجید، میزان، حقوق تعهدات، ج ۱، چ سوم، ۱۳۸۵، ص ۱۸۹

۴ کاتوزیان، ناصر، وقایع حقوقی، انتشار، چ یازدهم، ۱۳۸۵، ص ۳۳



توهم نسخ ضمنی از بین می‌رود. خامساً: تقصیر در مفهوم اجتماعی تجاوز از رفتار انسانی متعارف است و تمرکز بر این امر امکان تعارض را در بسیاری موارد می‌کاهد. سادساً: مصلحت اجتماعی اقتضای آن دارد که مسئولیت بدون تقصیر حذف نشود و نظام حقوقی موجود درهم نریزد. در مورد تسبیب باید گفت به نظر می‌رسد در فقه اسلام نمی‌توان برای این قاعده استقلال قایل شد، هر چند در این مورد نظر مخالفی هم وجود دارد.^۱ زیرا تفکیک بین اتلاف و تسبیب در فقه منطقی نبوده و مدلول «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» که در نگاه اول تنها شامل اتلاف به مباشرت است را باید به طور تبعی شامل تسبیب هم دانست و تسبیب را هم نوعی اتلاف در نظر گرفت.^۲ با این وجود در حقوق ایران باید اتلاف و تسبیب را مستقل از یکدیگر دانست و برای تسبیب اصالت قایل شد. به نظر می‌رسد وضع قانون مسئولیت مدنی خود مهر تأییدی بوده بر اهمیت و استقلال تسبیب. تسبیب یعنی فراهم آوردن سبب تلف مال غیر و برای تحقق این موجب ضمان قهری وجود تقصیر شرط است. البته لزوم تقصیر به صراحت در هیچ ماده‌ای نیامده اما در برخی موارد مسئولیت منوط است به وجود خطای مسبب که از آن جمله می‌توان به ماده ۳۳۱ تا ۳۳۴ ق.م.ا اشاره نمود.^۳ بنابراین برای تعریف تسبیب می‌توان عناصری را برشمرد.^۴ بنابراین برای تعریف تسبیب می‌توان عناصری را برشمرد. ۵ این عناصر عبارتند از: وجود فعل یا ترک فعل، احتمال نوعی وقوع ضرر، انتساب عرفی اضرار به فاعل یا تارک فعل و قابلیت نکوهش مرتکب (یا عدوان عرفی). در مورد مسئولیت‌های بدون تقصیر در حقوق ایران نیز باید به اتلاف در ماده ۳۲۸ قانون مدنی اشاره

۱ صدر، سید محمد باقر، بحوث فی الفقه، ج ۴، ص ۳۱۹ به نقل از حکمت‌نیا، محمود، مسئولیت مدنی در فقه، پژوهشگاه علم و فرهنگ اسلامی، ج ۱، ۱۳۸۶، ص ۱۰۷

۲ محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، بخش مدنی ۱، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ بیست و ششم، ۱۳۸۹، ص ۱۱۷

۳ کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد، ج ۲، ص ۲۱۲

۴ جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، ج ۲، چ اول، ۱۳۹۰، ص ۱۲۱۳

کرد، که بی شباهت به ماده ی ۱۳۸۲ قانون مدنی فرانسه نیست.^۱ در این ماده نظریه ی خطر یا مسئولیت را به راحتی می توان دریافت^۲. اتلاف مصدر عربی است از باب افعال و از آنجا که باب افعال برای متعدی کردن فعل لازم به کار برده می شود، پس اتلاف یعنی تلف نمودن. تلف نمودن عرفاً در مفهوم از بین بردن کلی یا جزیی مال بکار می رود. ممکن است مالی از نظر مادی نابود شود یا اصلاً از جهت فیزیکی دچار تغییری نشده ولی خاصیت خود را از دست دهد؛ در هر صورت اتلاف محقق شده است.^۳ ممکن است گفته شود صرف تلف مال دیگری به مباشرت، خود تقصیر است؛ همانطوری که عهدشکنی تقصیر است. اما این گفته را نمی توان تأیید نمود زیرا در عهدشکنی، اماره ی قانونی انتساب اجرا نشدن قرار داد به عمل مدیون، طرف قرارداد را از اثبات انتساب و استناد معاف می کند و باعث می شود اصل بر مسئولیت متعهد باشد. در حالی که در اتلاف چنین اماره ای به سود مالک موجود نیست و اوست که باید انتساب تلف به خواننده را اثبات نماید. البته معمولاً احراز رابطه ی علیت بین فعل مرتکب و تلف در صورتی امکان دارد که کاری نامتعارف سرزده باشد یا تجاوزی به عمد رخ داده و ضمان مسبوق به تجاوز بوده باشد.^۴



بخش سوم: مسئولیت نیابتی در حقوق

بند اول: مسئولیت نیابتی در حقوق ایران و انگلیس

در حقوق مسئولیت مدنی هر کس مسئول جبران زبانی است که زیان و ضرر زیان‌دیده منتسب به خود وی باشد و قرار نیست شخص ثالثی مسئول زیان منتسب به دیگری باشد، ولی موارد

۱ حسینی نژاد، حسینقلی، مسئولیت مدنی، مجد، ج ۱، ۱۳۸۹، ص ۱۴۵

۲ یزدانیان، علیرضا، قلمرو مسئولیت مدنی، ادبستان، ج ۱، ۱۳۷۹، ص ۵۴

۳ عباسلو، بختیار، مسئولیت مدنی، میزان، ج ۱، ۱۳۹۰، ص ۵۱

۴ جعفری لنگرودی، محمدجعفر، تاثیر اراده در حقوق مدنی، گنج دانش، ج ۲، ۱۳۸۷، ص ۱۱۷

متعددی در نظامهای حقوقی، اشخاص ثالث مسئول پرداخت خسارت وارده بر زیاندیدگان بیگناه میگردند، شخص ثالث در مواردی میتواند خود دولت باشد که از باب توجه به ضرورت جبران خسارت زیان‌دیده و توزیع ضرر بین اکثر و ایجاد مشارکت جامعه در جبران ضرر جبران نشده صورت میگیرد و یا از سوی موسساتی مثل صندوق تأمین خسارتهای بدنی مشمول ماده ۱۰ بیمه شخص ثالث اتومبیل در موارد پیش بینی شده در آن ماده و یا قانون مجازات اسلامی برای پرداخت مابه التفاوت دیه زن در حد دیه مرد میباشد و یا سرپرستان افراد صغیر و محجور در ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، برای افزایش حس مسئولیت سرپرستان در سرپرستی و نظارت بهتر بر عملکرد آنان انجام میگیرد و یا در قالب تحمیل مسئولیت بر کارفرمایان در قبال زیانهای وارده ناشی از عملکرد کارگران بشرح ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی انجام میشود، بصورتی که اینک بجای کارفرما تئوری کلی مسئولیت متبوع در قبال ضرر و زیان وارده از سوی تابع مطرح گردیده است و نیز برخی مواقع خویشاوندان در قبال اعمال خویشاوند مسئولیت پیدا میکنند مثل نظام عاقله در حقوق اسلام، که مسئولیت پرداخت خسارت ناشی از فعل دیگری در موارد مذکور در نظام کامن لا و نظام ما تحت عنوان مسئولیت جبران خسارت نیابتی مطرح است، و تفاوت موارد مسئولیت ناشی از فعل دیگری در این دو نظام خواهیم پرداخت.

بند دوم: جبران خسارت نیابتی در نظام حقوقی کامن لا

یکی از موارد انتقال مسئولیت مدنی از طریق نیابت است که در حقوق کامن لا به عنوان مسئولیت نیابتی معروف شده است. به موجب آن استخدام کننده یا کارفرما به طور نیابتی برای هر تقصیری که مستخدم او در دوره استخدام مرتکب میگردد مسئولیت دارد. البته این



مسئولیت شامل رابطه کارفرما و پیمانکاران مستقل نمیگردد.^۱ در حقوق کامن لا جبران خسارت نیابتی تحت عنوان مسئولیت نیابتی^۲ مورد بحث واقع میشود. مسئولیت نیابتی نظریه ای حقوقی است که بموجب آن مسئولیت مربوط به متضرر را به عهده کسی قرار میدهد که خود سبب مصدومیت و زیان نگردیده است ولی یک رابطه حقوقی با فرد خاطی و مقصر دارد و بلحاظ همین ارتباط، مسئولیت مزبور ناشی از یک نوع قصور انتسابی^۳ فرض میشود. رابطه حقوقی منجر به قصور انتسابی شامل بین والدین و فرزندان، شوهر و زن، صاحب اتومبیل و راننده و کارفرما و کارگر میشود. بطوری که عموماً تقصیر مستقل یک شخص به شخص دیگر انتساب نمییابد. دیگر در این ارتباط مربوط به انتساب تقصیر به دیگری، تحت عنوان دکترین مسئولیت کارفرما^۴، و دکترین مواظبت فامیلی^۵ است. دکترین مسئولیت کارفرما مبتنی بر رابطه استخدامی بین کارفرما و کارگر است که کارفرما را مسئول قصور و غفلت مستخدم در رابطه با کسی میکند که کارفرما نسبت به آن تکالیفی را بعهده دارد که بمنظور اعمال مسئولیت کارفرما لازم میاید قصور مستخدم در ارتباط با انجام وظیفه استخدامی باشد. مسئولیت کارفرما نسبت به قصور مستخدم از آن جهت است که مستخدم نماینده کارفرما فرض میشود، بطوری که اگر عمل زیانباری از ناحیه مستخدم در ارتباط با وظیفه عمومی و یا استخدامی وی انجام شود کارفرما بابت جبران ضرر و زیان، مسئول حادثه خواهد بود. برای مثال اگر راننده تانکر گازولین در ورود به ایستگاه گاز از خط قرمز عبور کند و منجر به تصادف با یک اتومبیل گردد. شرکت تحویل گازولین در قبال خسارت وارده ناشی از قصور راننده مسئول خواهد بود



۱عباسلو، بختیار، مسئولیت نیابتی در حوادث رانندگی، فصلنامه دانش اجتماعی، شماره ۳۰، ۱۳۸۵، ص ۱۲۴

2 Vicarious Liability

3 Imputed Negligence

4 Respondeat Superior Doctrine

5 Family Care

، چون شرکت مزبور بطور اتوماتیک مسئول قصور راننده میباشد که تئوری مسئولیت کارفرما شکلی از مسئولیت بدون تقصیر است^۱.

بند سوم: جبران خسارت نیابتی در حقوق ایران

اصولا مسئولیت متوجه شخصی است که مرتکب فعل یا ترک فعل زیانباری شده است. اما هر از گاهی شخصی مسئولیت مدنی ناشی از فعل زیانبار دیگری را بر عهده دارد، چنانچه گفته شد این نوع مسئولیت و جبران خسارت مبتنی بر نیابت است که در نظام کامن لا تحت عنوان مسئولیت نیابتی مطرح است، در این نوع مسئولیت گویا شخصی به نیابت از دیگری برای او ایجاد مسئولیت میکند، حقوق کشور ما با این مفهوم از نهاد جبران خسارت آشنا نیست ولی مثل دیگر کشورهای حقوق نوشته نهاد مسئولیت ناشی از فعل دیگری متکفل بیان قواعد جبران خسارت از سوی شخص ثالث بجای دیگری است و نویسندگان ما چندان توجهی به تفاوت مبنایی جبران خسارت نیابتی بمفهوم مذکور در نظام کامن لا با کشور ما نداشته اند^۲. به اعتقاد نویسندگان غرب، وجود مسئولیت نیابتی در نظام کامن لا نافی وجود قاعده مزبور در نظام نوشته نیست، مسئولیت ناشی از فعل غیر که اثر انتقال مسئولیت به عهده کارفرما، سرپرست، والدین، متصدی حمل و نقل، دارنده اتومبیل است در نظام حقوقی نوشته نیز وجود دارد، و نظام حقوقی کامن لا و نوشته، یکی در قالب مسئولیت نیابتی و دیگری مسئولیت مطلق (ناشی از فعل غیر) نیازهای حقوقی را اجابت کرده اند. مسئولیت نیابتی و یا ناشی از فعل غیر چه در حقوق ایران و چه نظامهای دیگر مطمئنا خلاف اصل است ولی در توجیه آن، میتوان گفت نه صرفا ناشی از انتساب تقصیر به جبران کننده زیان بلکه میتواند ناشی از امکان کنترل عامل زیان

1 www.Legal- Dictionary. The free dictionary. Com

۲ امیری قائم مقام، عبدالمجید، حقوق تعهدات، تهران، میزان، جلد اول، چاپ سوم، ۱۳۸۵، ص ۱۱۵



و احساس مسئولیت کسی که امکان کنترل عامل زیان را دارد باشد، و یا ناشی از قدرت بالای جبران خسارت از طرف فرد جبران کننده، نماندن ضرر جبران نشده و توزیع خسارت و خطر بین اکثر و افراد مرتبط را عنوان نمود و در عین حال انتساب تقصیر به جبران کننده زیان مسئولیت نیابتی را اظهار داشت. چه اینکه در این زمینه عمدتاً سه وضعیت متصور است:

- ۱- شخصی به جهت وضعیت خاص دیگری مکلف به مراقبت از وی باشد که در صورت تقصیر مسئول پرداخت خسارت است. مثل ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی.
- ۲- شخصی بر روی فعالیت دیگری دارای کنترل و نظارت است. مثل ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی.

- ۳- هنگامی که در یک قرارداد اجرای تعهدات متعهد قانوناً یا حسب قرارداد بر عهده دیگری است. مثل ماده ۲۴ شرایط عمومی پیمان^۱.

ناگفته نماند در ایران مصادیق دیگری چون مسئولیت عاقله خویشاوندان، بیت المال و غیره وجود دارد که جبران خسارت از باب همبستگی اجتماعی و عدالت توزیعی است نه اقتداری که شخص بر شخصیت یا فعالیت دیگری دارد^۲.

بخش چهارم: جبران خسارت نیابتی در فقه

بند اول: جبران خسارت نیابتی در فقه

در فقه موارد متعددی مثل بیت المال، ضمان عاقله، جریره، دیگری در شب، جنایت مغیث با اجرت، ضمان عبد، جنایت نائم، ضمان صبی، ضمان مجنون، حرکت در میدان تیر مستلزم

۱ اسماعیلی هریسی، ابراهیم، مبانی حقوق پیمان، تهران، جاودانه، چ چهارم، ۱۳۸۷، ص ۱۹۰

۲ بادینی، حسن، فلسفه مسئولیت مدنی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ اول، ۱۳۸۴، ص ۵۲۹





وجود مسئولیت نیابتی است که سعی میشود به موارد شایع و در حد اختصار اشاره گردد. ضمان عاقله: عاقله به معنی زن دانا و خردمند است مؤنث عاقل و عاقلات و عواقل جمع عاقله و نیز قوه عقل و همچنین عاقله یا عاقله الرجل به معنی کسانی از خویشان و نزدیکان قاتل غیر مکلف، به سبب سفاهت یا علت دیگر که خونبهای مقتول بر آنان سرشکن شود آمده است.^۱ ضمان عاقله یک سنت دیرینه و ریشه داری میباشد که قبل از شریعت اسلام وجود داشته است و گفته شده است شاید بتوان گفت نوعی بیمه به مصطلح امروزی است^۲ و بطور اجمال مورد تأیید و امضای شرع قرار گرفته و حکم آن مورد اتفاق همه فقهای اسلامی است و بین شیعه و اهل سنت در این مسئله اختلافی نیست. قطع نظر از بررسی سیر تاریخی عاقله و معنای لغوی و نیز تعیین افراد آن که مورد اختلاف بین فقها است، جا دارد به یک سؤال اساسی پاسخ داده شود و آن اینکه چگونه ضمانت پرداخت تاوان جنایت و خسارتی که کسی وارد نموده بر عهده دیگری یعنی عاقله او میباشد؟ اصولاً عاقله مربوط به زمانی است که جنایت وارده از سوی عامل زیان ناخودآگاهانه و ناشی از خطای محض بدون قصد فعل و بدون آنکه نتیجه حاصله مقصود وی باشد به معنی علیه واقع گردد و درحالیکه هیچ خطای جزایی از او سر نزده است مرتکب قتل یا ضرب و جرح میگردد، مانند آنکه در حال رانندگی اتومبیل و غیر آن بدون قصد صدمه زدن به دیگری و بیآنکه مرتکب تعدی و تفریط شده باشد به طور کاملاً اتفاقی با دیگری برخورد نموده موجب صدمه یا تلف وی میگردد و همچنین هرگاه کسی اتفاقاً و بدون قصد به شخصی برخورد کند و موجب آسیب او شود.^۳ گفته شده است در نظام عاقله، مد نظر اساسی شارع جبران خسارت زیان‌دیده است ولی مبلغ آن چنان زیاد است که

۱ عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، جاویدان، چاپ ۱۱، ۱۳۵۳، ص ۵۸

۲ ابو داوود سجستانی، سلیمان ابن اشعث سنن، دار الجنان، بیروت، ۱۴۰۹ ه ق، ص ۸۷

۳ صادقی، محمد، جزای اختصاصی، ۱، جرایم علیه اشخاص، تهران، نشر میزان، چ اول، ۱۳۸۷، ص ۱۹۹

تحمل آن فقط بر یک نفر گاه وی را از هستی ساقط میکند، برای همین عاقله وی را در پرداخت آن یاری میکند^۱ حال اگر ضمان عاقله وجود نمیداشت مبلغ گزاف دیه را جز اغنیا کسی نمیتوانست بپردازد. در حالیکه با وجود این نهاد خسارت زیاندریده بدون جبران باقی نمی ماند. برای همین کمتر از موضعه به عهده خود جانی است. سوالی که مطرح است اینکه آیا میتوان در کنار عاقله خود جانی را نیز مسئول جبران خسارت جانی دانست؟ و در صورتی که عاقله ای نبود یا توان پرداخت دیه را نداشته باشد با امتناع ایشان از پرداخت دیه، اخذ آن از آنها ممکن نباشد باید دیه را از خود جانی گرفت یا از بیت المال؟ بنظر برخی از فقها پرداخت دیه از بیت المال به عمل میاید^۲. همانطور که در ماده ۳۲۲ ق م اسلامی سابق نیز همان آمده بود ولی برخی از فقها خود جانی را مسئول دانسته اند و اگر جانی هم مالی نداشته باشد پرداخت دیه را از بیت المال میدانند^۳ بطوری که ماده ۴۷۰ ق م اسلامی جدید در این مورد در صورت عدم وجود عاقله یا عدم تمکن مالی عاقله، پرداخت دیه را بعهدۀ خود جانی و در صورت عدم تمکن به عهده بیت المال نهاده است. برای پاسخ صحیح به موضوع لازم است بدانیم آیا حکم مسئولیت عاقله تکلیفی است یا وضعی؟ فایده تفکیک این دو مورد این است که اگر حکم مسئولیت عاقله تکلیفی باشد مسئول اصلی جبران خسارت خود جانی است و این بر ذمه وی استوار است. اما اگر حکم مزبور حکم وضعی باشد عاقله مسئول بوده و در صورتی که جانی عاقله ای نداشته باشد و یا معسر از پرداخت باشند دیه از بیت المال تأدیه خواهد شد^۴. و اگر عاقله وضعاً مدیون جنایت جانی باشد باید مقداری از دیه را که بعهدۀ اوست عندالتمکن



۱ یزدانیان، علیرضا، قلمرو مسئولیت مدنی، ادبستان، ج ۱، ۱۳۷۹، ص ۱۴۴

۲ موسوی، سید روح اله، تحریر الوسیله، دفتر انتشارات اسلامی، ج چهارم، قم، ۱۳۷۳، ص ۴۷۳

۳ شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، استبصار، نشر دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۴، ۱۳۹۰ ه ق، ص ۷۳۱

۴ شامیبانی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه اشخاص، جلد اول، تهران، انتشارات ژوبین، ۱۳۸۹، ص ۳۳۸



بپردازد مانند سایر دیون که در ذمه اشخاص قرار می‌گیرد در حالی که در باب عاقله چنین چیزی وجود ندارد زیرا تنها مسئولیت تکلیفی در صورت عجز و عدم قدرت پرداخت ساقط می‌گردد.^۱ بر اساس قاعده « من له الغنم فعليه الغرم » اینکه عاقله چگونه عهده دار جنایت دیگری است گفته شده است چرا که همچنانکه خویشان فرد در صورت فوت فرد از وی ارث می‌برند لذا به این منظور جبران خسارت لازم است به داد وی بشتابند و این نوعی حمایت متقابل و تقابل داد و ستد و به مصطلح روز بیمه معقول و مقبول است. علاوه بر اینکه به نحوی تعاون در نیکی و نوعی صله رحم و معاضدت خویشان است که عقلاً نیک و نقلاً مورد تأکید واقع شده است.^۲ و برخی گفته اند ضمان عاقله ناشی از تقصیر ایشان است زیرا ایشان در تربیت جانی کوتاهی کرده اند و خطای جانی نتیجه تربیت غلط دیگر بستگان است. بنابر این مسئولیت عاقله ناشی از فعل شخصی خود است.^۳ و از نظر برخی دیگر مبنای اولیه ضمان عاقله را باید در نوعی تعاون و همیاری اجتماعی جست و جو کرد بر این اساس افراد یک خانواده موظف به اعانه و یاری یکدیگرند. برای همین کسانی که نمیتوانند بار تکلیف را به دوش کشند مسئولیتی نیز ندارند.^۴ همانا برخی دیگر از فقها معتقد به جنبه تعبدی مسئولیت عاقله گردیده اند.^۵ همچنان که در نظریه قریب به اتفاق مورخه ۲۸ / ۸ / ۱۳۷۶ محاکم آمده است عاقله نه متهم است و نه مجرم بلکه بهحکم قانون ضامن پرداخت دیه ناشی از جنایت شخص دیگری است و نمیتوان به عاقله تفهیم اتهامکرد یا در مورد او مبادرت به صدور قرار تأمین کیفری نمود.^۶

۱ مرعشی شوشتری، محمدحسن، دیدگاه های نو در حقوق، تهران، نشر میزان، ج ۲، ص ۲۴۶

۲ منتظری نجف آبادی، حسین علی، استفتائات مسئله ضمان، ناشر بی تا، قم، ج اول، ص ۱۹۹

۳ بحر العلوم، سید محمد، بلغه الفقیه، انتشارات مکتبه الصادق، تهران، ۱۴۰۳ ه ق، ص ۳۲۱

۴ بجنوردی، سید محمد حسن، قواعد الفقیه، نشر ال هادی، ج ۶، ۱۴۱۹ ه ق، ص ۳۰۸

۵ شعرانی، ابوالحسن، تبصره المتعلمین فی احکام دین، منشورات الاسلامیه، تهران، چ پنجم، ۱۴۱۹ ه ق، ص ۹۷

۶ بهرامی احمدی، حمید، مسئولیت مدنی، میزان، ج ۱، ۱۳۸۸، ص ۱۶۳

چنانچه میدانیم نهاد ضمان عاقله قبل از ظهور اسلام نیز وجود داشته است و یکی از مکارم اخلاق به حساب میامده است و پیامبر (ص) آنرا تأیید فرموده اند^۱. و تعداد ۱۰۰ شتر و اینها همه امضایی است و قبلاً سه شتر تا هزار شتر بود، بعد زمان عبدالملک به ۱۰۰ شتر تعیین نمودند و عاقله چنان متعهد بودند که بدون گفتگو حیوانات را جلوی درب اولیای دم میاوردند که هر یک از اندیشمندان از جهتی مبادرت به استنباط مبنای ضمان عاقله نموده اند چندان قوی نیست « من له الغنم فعليه الغرم » بطوری که هر کدام از نظرات از جهتی قابل ایراد بنظر میرسد. برای مثال: توجیه زیرا افراد دیگری غیر از خویشان ذکور ارث میبرند و اگر مبنای مسئولیت عوض سودی بود که به جهت ارث نصیب ایشان مقایسه تطبیقی جبران خسارت نیابتی در فقه و حقوق کامن لا میشد باید همه افراد قبیله جزء عاقله بحساب آیند و اگر دیه در مقابل ارث بود باید عاقله به نسبت سهم الارث مسئول باشند در حالی که طبق ماده ۴۶۸ قانون م اسلامی سهم عاقله مساوی است. و یا توجیه ضمان عاقله بر مبنای تقصیر نیز بنظر قابل دفاع بنظر نمیرسد چون چگونه بستگان دور میتوانند در تربیت انسانی که از سر خطا خسارتی ببار آورده است موثر باشند؟! و یک فعل زیانبار را که خطایی نیز بوده چگونه میتوان به نقص در تربیت منسوب ساخت؟! و باز در مورد مبنای تعاون گفته شده است نمیتواند توجیه مناسبی برای مسئولیت عاقله باشد چون اگر مبنا تعاون و همیاری است! باید در همه موارد قابل پذیرش باشد در حالیکه در مواردی مسئولیت عاقله منتفی است^۲. با لحاظ نظرات بالا از اینکه مبنای اولیه ضمان عاقله را باید در نوعی تعاون و همیاری اجتماعی جست و جو کرد تردیدی نیست بطوری که این تعاون در کوچکترین نهاد اجتماعی یعنی خانواده و خویشاوندی عینیت مییابد. ولی می توان مبنای ضمان عاقله را در عین حال با تئوری جمعی کردن مسئولیت آشتی داد و



۱ الشنقطنی، محمد مختار، احکام الجراحة الطبیة والاثار المترتبة علیها، ج دوم، جده مکتبه صحابه، ۱۱۱۲ ه. ق، ص ۲۴۱
 ۲ یزدانیان، علیرضا، قلمرو و مسئولیت مدنی، ادبستان، چ ۱، ۱۳۷۹، ص ۱۴۵



توجه گذار به ضرورت جبران خسارت زیان دیده با توزیع مسئولیت را مبنای ضمان عاقله دانست.^۱

ضمان جریره: یکی از مواردی که قربانی جرم و زیان‌دیده در تحمّل آثار زیانبار جانی یاری میشود مربوط به نهاد ضمان جریره در اسلام است. ضمان جریره از جمله مواردی است که با تمسک بدان ذمه کس دیگر وثیقه ذمه فرد جانی است ولی نه بعد از جنایت و وقوع فعل زیانبار که قبل از وقوع فعل زیانبار. بدین صورت که در اسلام پیمانی است که در صورت عدم وجود وارث سببی و نسبی، کسی که ضامن دیه جنایت جانی شده است در صورت فوت وی ضامن از مضمون عنه ارث خواهد برد. بطوری که کسانی که از بلاد خود به غربت افتاده و نسبت و وطن خود را فراموش کرده‌اند و در شهری که هستند خویش نسبی ندارند خواه به اسارت آمده باشند یا بنده بوده و در راه خدا آزاد شده باشند و آزادکننده ولای عتق بر آنها نداشته باشد یعنی سائبه باشند میتوانند در شهری که هستند با مردی صاحب نسب و قبیله پیمان ببندند و خود را داخل قبیله آنها سازند و آن مرد صاحب قبیله ضامن جنایات خطایی آنها شود و ارث ببرد و آنچه در رجال و تاریخ معروف است هاشمی شامل ولای عتق و ضمان جریره میشود گویند ممکن است دو تن سائبه که هیچ یک «مخزومی مولا هم بالولاء» مثلاً یا نسب و قبیله معروف ندارند ضامن جریره یکدیگر شوند هرگاه میت خویش نسبی داشته باشد ارث به ضامن جریره نمیرسد و همچنین اگر مولای معتق داشته باشد ضامن جریره ارث نمیرد بلکه ضامن جریره برای او معقول نیست.^۲ ضمان جریره در ق.م. اسلامی قبلی مورد شناسایی قانونگذار واقع شده بطوری که در تبصره ماده ۳۰۷ و کسی که با عقد ضمان جریره دیه جنایت دیگری

۱ یزدانیان، علیرضا، قلمرو مسئولیت مدنی، ادبستان، چ ۱، ۱۳۷۹، ص ۱۵۴

۲ شعرانی، ابوالحسن، تبصره المتعلمین فی احکام دین، تهران، منشورات الاسلامیه، چ پنجم، ۱۴۱۹ ه. ق، ص ۶۷۳

را به عهده گرفته است نیز عاقله محسوب میشود میگوید. همانا برخی از نویسندگان گفته اند ضمان جریره خیلی نزدیک به بیمه است اصولاً میتوان گفت که ضمان جریره خود نوعی بیمه است یک نوع بیمه و قرارداد که اسلام هم آنرا امضاء کرده و آن اینکه دو نفر با یکدیگر عقدی برقرار میکنند که اگر احیاناً من از روی اشتباه خسارتی بر کسی وارد کردم دیه آنرا تو پردازی، حالا یا تمامش را یا نصفش را، و اگر تو نه از روی عمد بلکه از روی خطا انجام دادی و باید دیه پردازی، آن خسارت تورا یا نصف آنرا من پردازم این دیگر خیلی نزدیک به بیمه میشود.^۱

بند دوم: جبران خسارت نیابتی در بیت المال

با بررسی و ملاحظه مبانی فقه اسلام، جبران خسارات و ضرر و زیان وارده بر افراد از جهات و موارد متعدّد مدّ نظر شارع و دانشمندان علوم فقهات قرار گرفته است که با دقّت نظر در موارد متعدّدی که مورد اظهار نظر واقع شده نشان میدهد محدود به مصادیق اقلّ نیست و جنبه عمومیّت دارد به نحوی که منحصر به زمان و مکان خاصی نیست و با پیشرفت و تداوم «لاضرر و لاضرار» و توسعه تکنولوژی و ابداعات و اختراعات و افزایش ریسک و خطرات، معانی گوناگونی که برای حدیث داریم میتوان معتقد شد از منظر فقه، ضرر و زیان جبران نشده وجود ندارد.^۲ قانونگذار همواره قسمتی از مخارج بیت المال را برای جبران ضرر و زیان وارده بر افراد قرار داده است که یا به علت عدم انتساب رابطه سببیت بین فعل و ضرر یا عدم شناسایی عامل ضرر و یا عدم دسترسی به خطا کار، عدم توانایی پرداخت از مقایسه تطبیقی جبران خسارت نیابتی در فقه و حقوق کامن لا سوی عامل خسارت و یا ضرورت اجرای قانون اهمّ و



۱ مطهری، مرتضی، فقه و حقوق، انتشارات قم، ج ۲۰، چ اول، ص ۳۸۳

۲ موسوی بجنوردی، سید محمد حسن، قواعد الفقهیه، نشر الهادی، ۱۴۱۹، ص ۲۳۴



غیره است و بجز از طریق غیر عامل زیان و بیت المال راهی برای جبران نیست که در این قسمت علاوه بر بیان جایگاه و مبنای خسارت نیابتی در بیت المال مصادیقی از موارد که به علت کثرت آن مورد توجه فقها قرار گرفته، آورده میشود و بنظر بهعنوان قاعده میتوان برای موارد نادر نیز تعمیم داد. قاعده شخصی بودن مسئولیت ایجاب میکند هر شخص خود پاسخگوی نتیجه اعمال خود باشد لکن دیده میشود در مواردی در فقه و قانون مجازات اسلامی (بر گرفته از فقه) مسئولیت به عهده بیت المال یا امام مسلمانان است بطوری که هرگاه در فقه جبران خسارت به عهده امام مسلمین نهاده شده است بنظر بیت المال مسلمین منظور است زیرا چنین شخصیت و نهاد حقوقی در اختیار امام میباشد و امام از اموال بیت المال خسارت را جبران نمیکند نه از اموال خویش^۱. در نظام حقوقی مبتنی بر فقه برای جبران خسارت جبران نشده نهاد و شخص حقوقی بنام بیت المال پیش بینی گردیده است تا از تضييع حق زیان دیده ممانعت به عمل آید و موارد آن در فقه و قانون مجازات اسلامی آمده است. با توجه به اهمیت مبنای مسئولیت بیت المال گفتنی است در این خصوص نظر یکسانی وجود ندارد، برخی گفته اند مبنای مسئولیت بیت المال جبران خسارت زیان‌دیده (مجنی علیه) است بطوری که در برخی روایات مقابله با تضييع حق زیان‌دیده فلسفه بیت المال است^۲. زیرا خون مسلمان محترم است و نباید هدر رود و بایستی خسارت ریخته شدن خون مسلمان جبران گردد. را مبنای مسئولیت بیت المال گفته اند آنجا که برای شخص مجنی علیه وارثی « له الغنم فعلیه الغرم » و برخی دیگر قاعده وجود ندارد نهاد بیت المال جزو ورثه میباشد و در مورد جبران خسارت نیز باید چنین وظیفه ای را تحمل کند و در مورد دیه مقتول بلاوارث نیز دیه وی به بیت المال داده میشود و به همین سبب در مورد مرتکب قاتل نیز در مواردی بیت المال مسئول

۱ مصطفوی، سید کاظم، مئه قانده فقهیه، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه، ۱۴۱۷، ص ۲۱۳

۲ کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الفروع من الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷، ص ۷۳۵

پرداخت می‌گردد و در عین حال بیت المال وارث مجنی علیه است و می‌تواند دیه را بجای مقتول از جانی بگیرد و تا آنجا گفته شده است که ولی امر مسلمین حق عفو ندارد زیرا عفو خسارت وارده بر جامعه را جبران نمی‌کند و به دیگر سخن عفو به مصلحت جامعه نیست^۱. که بموجب ماده ۳۵۶ ق مجازات اسلامی جدید اگر مجنی علیه دارای ولی نباشد یا ولی او شناخته نگردد یا بر او دسترسی نباشد ولی او مقام رهبری است و رئیس قوه قضاییه با استیذان از مقام رهبری اقدام خواهد کرد.

نتیجه گیری

ساختار کلی قواعد مسئولیت مدنی ایران و انگلستان در ظاهر تفاوت‌هایی دارند. در حقوق انگلستان، برخلاف حقوق ایران، عمد و بی احتیاطی دو موجب مستقل برای دعاوی مسئولیت مدنی محسوب می‌شوند. با این وجود همانطور که بیان شد برخی اندیشمندان حقوق غرب نیز این دو مورد (عمد و بی احتیاطی) را در نظر گرفته‌اند. در مفهوم «مسئولیت‌های مبتنی بر تقصیر» تحت یک عنوان مسئولیت‌های بدون تقصیر هم تفاوت‌های بارزی بین حقوق ایران و انگلستان وجود نداشته و در هر دو نظام، بنا به مصالح اجتماعی، گاه اشخاص را بدون توجه به اینکه تقصیری مرتکب باشند یا خیر، مسئول خسارات ناشی از اعمالشان می‌شناسند. همین امور بر نزدیکی و شباهت دو نظام حقوقی صحنه می‌گذارد و بیان می‌دارد که هرچند حقوق انگلستان نظامی کامن لایی محسوب می‌شود و حقوق ایران را باید از نظام‌های سیویل لایی دانست، اما مفهوم عدالت و جبران زیان‌های ناروا در تمامی سیستم‌های حقوقی یکی است و تمام نظام‌های موجود برای رسیدن به هدفی مشترک تلاش می‌کنند، حتی اگر در این طریق شیوه‌های یکسان و مشابهی را در پیش نگرفته باشند. مسئولیت نیابتی نهادی است که ریشه در

۱ اردبیلی، محقق، مجمع الفائده و البرهان، جامعه المدرسین، قم، ج ۱۲، ۱۴۰۴، ص ۴۷۲



نظام حقوقی کامن لا دارد و مبتنی بر مسئولیت جبران خسارت بدون تقصیر است بنحوی که بدون ضرورت اثبات تقصیر در فرد ثالثی، آن شخص مسئول جبران خسارت ناشی از عمل دیگری می‌گردد. مشابه نهاد مزبور که عبارت از مسئولیت ناشی از عمل دیگری است در نظامهای حقوقی نوشته نیز وجود داشته است، لیکن تفاوت دو نظام عبارت از فرض تقصیر در نظام کامن لا و ضرورت اثبات تقصیر در نظام حقوقی نوشته بود. ولی در نظام حقوق اسلام قواعد هر دو نهاد بنحو آشکار دیده میشود در مواردی چون نهاد عاقله، بیت المال که بدون ضرورت اثبات تقصیر فرد ثالث، آن شخص نسبت به پرداخت خسارت مسئولیت پیدا میکند و در مواردی دیگر چون نهاد حقوقی غصب، مسئولیت غاصب برای جبران تلف مال از آن جهت است که خود مسئول، مقصر قلمداد می‌گردد همانطور در مواردی چون مسئولیت سرپرست محجور و صغیر موضوع ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، مسئولیت سرپرست زمانی محقق می‌آید که تقصیر سرپرست اثبات گردد.



منابع و ماخذ

- ۱- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، اسلامیه، ج ۱، چ بیست و ششم، ۱۳۸۵
- ۲- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ج سوم. تهران: انتشارات الاسلامیه، ۱۳۶۶
- ۳- امیری قائم مقام، عبدالمجید، حقوق تعهدات، تهران، میزان، جلد اول، چاپ سوم، ۱۳۸۵
- ۴- اردبیلی، محقق، مجمع الفائده و البرهان، جامعه المدرسین، قم، ج ۱۲، ۱۴۰۴
- ۵- استوبیر، کارلتون، الک، بائر، حقوق هسته ای ترجمه اصلی عباسی، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۸
- ۶- اعظمی زنگنه، عبدالحمید، حقوق بازرگانی، تهران، بی تا، چ ۴، ۱۳۵۳
- ۷- انصاری، شیخ مرتضی بن محمد، مکاسب، چاپ سنگی به خط طاهر خوشنویس، تبریز، بی تا، ۱۳۴۶
- ۸- اورک بختیاری، حسنعلی، مبانی و اصول مسئولیت مدنی حوادث خودرو، انتشارات علمی کالج، سنندج، ۱۳۹۱
- ۹- بهرامی احمدی، حمید، مسئولیت مدنی، میزان، چ ۱، ۱۳۸۸
- ۱۰- بهرامی احمدی، حمید، ضمان قهری، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۱
- ۱۱- بهرام، محمد علی، سوء عرضه در حقوق انگلیس و تدلیس در حقوق اسلام، ترجمه فتواتی و عبدی پور، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۰
- ۱۲- بادینی، حسن، فلسفه مسئولیت مدنی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ اول، ۱۳۸۴



۱۲- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، ج ۲، چ

اول، ۱۳۹۰

۱۳- صفایی، سید حسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، انتشارات

میزان، تهران، چ ۱۱، ۱۳۸۷

۱۴- صفایی، سیدحسین، امامی، اسدالله، حقوق خانواده، تهران، میزان، چ ۱۰، ۱۳۸۵

۱۵- صفایی، حسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، تهران: نشریه موسسه عالی حسابداری

هادی، ج دوم، ۱۳۵۱



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

